



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
**منصور حکمت**

# جوانان کمونیست ۱۱۱

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سرمدیر: مصطفی صابر

۲۲ مهر ۱۳۸۲  
۱۵ اکتبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

## چند نامه در باره جایزه صلح نوبل

اسد حکمت اصفهان  
صلح یا ارتجاع؟!

با سلام، میخواستم چند کلمه ای راجع به جایزه نوبل شیرین عبادی بنویسم.  
تنها اسمی که بر روی این جایزه میتوان گذاشت جایزه نوبل ارتجاع است نه جایزه نوبل صلح. چه کسی که از اسلام مترقی دم میزند به هويت و اصل انسان توهین میکند، این شخص را یا باید به روانشناسان معرفی کرد یا در موزه گذاشت. البته اینهم یکی از شکفتی هایی است که آیندگان در کشف رمز آن ناتوان میمانند که چگونه به کسی که اسلام را نه تنها مغایر با حقوق زن نمی داند بلکه حامی آن تلقی میکند، جایزه نوبل صلح میدهند و در برابر اسطوره مبارزه بر علیه ارتجاع (زنی مانند مینا احلی) ساکت میمانند. البته این بدین دلیل است که در آینده نه چندان دور اثری از آثار جمهوری اسلامی و مماشات دول اروپایی با آن، اسلام سیاسی، صفحه ۲

## خاتمی بار دیگر؟ او نه متشکریم! نوبل و انقلاب در ایران

مصطفی صابر

مردم لاقل در ایران با کل این صورت مساله ارتجاعی مشکل دارند. آنها نمی خواهند بین این مسلمان و آن مسلمان، این اسلام و آن اسلام، زن یا مرد مسلمان انتخاب کنند. آنها میخواهند بطور تمام و کمال از شر اسلام سیاسی و مشخصا جمهوری اسلامی رها شوند. صفحه ۲

انتخاب غافلگیرانه خانم شیرین عبادی بعنوان برنده جایزه صلح نوبل کچه مساله ای محدود به ایران نیست، اما سرانجام و نتایج آن در ایران تعیین خواهد شد. با این جایزه اروپا و غرب خارج از حکومت، و مهمتر یک «زن مسلمان» برونند.



اجتماع یک تشکل زنان در نیشویپینگ سوئد، هلاله طاهری در باره افسانه نوروزی سخن گفت

## افسانه را نجات دهید!

طلبی که دیگر خواهان زندگی زیر یوغ احکام اسلامی نیستند، جوانان و زنانی که خود را هم سرنوشت افسانه نوروزی میدانند، همه و همه در مخالفت با این حکم علیه رژیم اسلامی ایستادهاند.  
من به نمایندگی از طرف جوانان آزادیخواه در ایران از شما سوال میکنم، شما و سازمان ملل در کجا می ایستید؟ در کنار ما یا با سکوت در این مورد در کنار رژیم اسلامی؟  
در کنار ما بیاستید تا جلوی اعدام افسانه نوروزی را بگیریم. در کنار ما بیاستید تا افسانه نوروزی را به کودکان خردسالش بازگردانیم. در کنار ما بیاستید تا یکبار دیگر اعمال قوانین اسلامی ضد زن را مانع شویم. اعتراض به حکم اعدام افسانه نوروزی را رسماً به اطلاع جمهوری اسلامی ایران برسانید و آنچه را که در توان دارید برای نجات جان او بکار بندید.  
جوانان آزادیخواه در ایران به طرق گوناگون به مقابله علیه این حکم

خود او را به قتل رساند. چند مسئول نیروی انتظامی و پزشک قانونی و اولین قاضی دادگاهی که پرونده او را رسیدگی میکرد ادعای افسانه را تأیید کردند. اما پرونده به دادگاه دیگری ارجاع شد و حکم اعدام افسانه صادر گردید. این حکم اکنون توسط دیوان عالی جمهوری اسلامی تأیید شده و اخیراً خود افسانه نیز، که شش سال است در زندان بسر میبرد، وادار به امضای آن شده است.  
افسانه نوروزی که دو کودک خردسال دارد، قرار است بزودی به دار آویخته شود. انتقام جویی حکومت اسلامی از زنی که به خود جرات داده است و از خود دفاع کرده است، عمق توحش اعمال قوانین اسلامی، انتقام جویی رژیم اسلامی، حکم اعدام، سیستم قضایی که فرض بر بیحقوقی متهمین است هم اکنون کل جامعه ایران را حول این حکم قطعی کرده است. انسانهای آزادیخواه و برابری

### جمهوری اسلامی عقب نشست!

در آخرین لحظات انتشار این نشریه حزب کمونیست کارگری اطلاع داد که جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای داخلی و بین المللی ناکزیر گردید که فعلاً حکم اعدام افسانه نوروزی را متوقف کند. اما همچنانکه حزب اعلام کرده است، مبارزه علیه این حکم تا لغو کامل و آزادی افسانه ادامه خواهد داشت. بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست چند روز پیش کمپینی را در این رابطه شروع کرد و نامه ای به دبیر کل سازمان ملل نوشت:

### جلوی اعدام افسانه نوروزی را بگیرید!

آقای کوفی عنان،  
در سال ۱۹۹۷ یکی از مسئولین جمهوری اسلامی قصد تجاوز به افسانه نوروزی را داشت و افسانه در دفاع از

## بسلامتی آقا! حامد راد تهران

شب نیمه شعبان گفتیم بریم بیرون تو خیابون یه دوری بزیم. به قول بچه ها خیابونا شده مثل خارج. همه جا روشن شده. البته زیاد هم لذت نداره. چون ماه دیگه تو قبض برق جبران میشه.

رفتیم بیرون. به به، آقا جونم براتون بگه، اصلاً حال و هوای معنی نمی بینی. همه شیک کردن. دختر ها با دوست پسر ا شون قرار دارند. کی به کیه؟ اینقدر شلوغه که هیچی معلوم نیست. بعضی از خونه ها هم مراسم دعا دارند. اما اون تو چی می بینی؟ ۴ تا بچه ۶ تا زن (از نوع خاهران زینب) ۳ تا پیرمرد که تو خرافات اسلام مو سفید کرده، و یک آخوند که اومده تا یه مقدار عربده بکشه و یه پولی به جیب بزنه. (کناه داره! مسخره نکن حامد!)

از خیابون چه خبر؟ تو مغازه های اجاره اگو مگه میشه اگو گیر آورد! جوون های با حال در به در دنبال اگو هستند. چه خبره؟ امشب بزنی و برقصه. کجا؟ تو کوچه. زیر نور پرژکتور. بابا کناه داره. امام زمون حالمون رو میگیره. ولی نه، میگن امام زمون تو مثلث برمودا زندگی میکنه. تا بیاد اینجا، ما رفتیم!

همه به هم توصیه میکنن که «خودت رو بسازی ها!». ولی حالا بگرد دنبال یک قطره «آب»! مگه گیر می آد. پیش هر ساقی که میری دستش خالیه. خلاصه شروع میکنن. یه اگو تو کوچه، یه ارگ یا یه ضبط کنار پیاده رو. جمعیته که جمع میشه. نیروی انتظامی هم جرات نمی کنه جلو بیاد. صحنه جالبی شده. اونور نوحه میخونن و اینور میرقصند! چه ربطی به هم دارن من نمی دونم. وسط بزم بود که ابکی هم رسید. خلاصه جای همتون خالی به سلامتی آقای ادركتی تا خرخره نوشیدیم. آها، حالا شد. امام زمان قشنگ تره...



برخاستند. به ضمیمه و مرتباً امضاهای متعددی را که علیه این حکم جمع آوری شدهاند را در اختیار شما قرار میدهیم. با سلامهای گرم  
**بهرام مدرسی**  
دبیر سازمان جوانان کمونیست،  
۱۲ اکتبر ۲۰۰۳  
از همه خوانندگان دعوت میکنیم به این کمپین بپیوندند و نامه فوق را امضاء و تأیید کنند و با بهرام مدرسی تماس بگیرند. آدرس ئی میل: bahram-modarresi@web.de

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۸ نوبل و انقلاب

انتخاب یک زن دوم خردادی خارج از حکومت که به کارهایی در دفاع از حقوق کودک و زن در همان چهارچوب جمهوری اسلامی پرداخته، مردم را خوشحال کرد. چون دیدند که این انتخاب به آنها فرصتی میدهد که علیه کل جمهوری اسلامی به میدان بیایند. که حقوق زن و کودک و آزادی و سایر مطالباتشان را هرچه وسیع تر اعلام دارند و منافات آن با اسلام را بهتر نشان بدهند. اما هر چه خانم شیرین عبادی بیشتر دهن باز کرد و صریح تر از اسلام دفاع کرد، آنها را منجر کرد.

از همان اولین روز معلوم شد که مردم در آنجایی که جایزه دهندگان تصور کردند متوقف نخواهند شد. خانم عبادی شانسش بیش از خانمی در قالب کردن «پروژه اصلاحات» نخواهد داشت. جنبش ایشان، یعنی جنبش ملی اسلامی (که زمانی تحت پرچم دوم خرداد و لیخندهای خانمی متحد شد) اسلامی تر و ملی تر و مرتجع تر از آن است که مردم آنها را بپذیرند. مثل حکومت

موجودشان یعنی خود جمهوری اسلامی ورشکسته است. شانس خانم عبادی را قبلاً خانمی سوزانده است! نتیجه جایزه صلح نوبل قطعی شدن شدیدتر جامعه ایران و بالا گرفتن جنگ بی آمانی علیه هرگونه تلاش برای نجات جمهوری اسلامی و اسلام و ارتجاع خواهد شد. دور جدیدی از مبارزات حاد اجتماعی و توده ای در پیش است. جایزه دهندگان و جایزه بگیران با کمال وحشت خواهند دید آنچه که آنها را وادار کرد از خانمی به عبادی «عبور» کنند، یعنی همان مبارزه و انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و کمونیسم کارگری، پرقدتر تر و تنیده تر از هرتق سربلند خواهد کرد. تفاوت عمده این خواهد بود که این عروج کمونیسم و انقلاب و آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران، بازتابی به مراتب بین المللی تر خواهد داشت. جایزه صلح نوبل تحولات اجتماعی در ایران را بیش از پیش به مرکز سیاست بین المللی برد و به این اعتبار دوره دخالتگری وسیع و فعال کمونیسم کارگری در سطح جهان را آغاز کرده است.

## رویدادهای هفته

### اسعد کوشا

#### نوبل و ترویسیم اسلامی

مهمترین بمبی که در هفته گذشته ترکید سخنان خانم شیرین عبادی در پس کسب جایزه نوبل بود: «اسلام» و حقوق بشر هیچ مغایرتی باهم ندارند!!! این بمب خوشبختانه از نوع صوتی بود و تلفات جانی فوری در بر نداشت.

بمب اسلامی - حقوق بشری بر

## این فرهنگ اسلامی ایرانی! پیکش خودشان!

### ایمان شیرعلی

iman-shirali@web.de



به هرجای این فرهنگ سرک میکشی بجز بوی تعفن چیزی به مشامت نمیرسد. شعرش سراسر ارتجاع ضد زن و شرقرده، همه مدح مرگ مقدس و عشق بیمار و صوفی مسلکی علی الهی و خون است و شمشیر! روشنفکر متأثر از فرهنگ ایرانی همزمان با تلاش برای سبقت از هیتلر یاد دهاات و الاغ میکند و «دابی جان ناپلئون» وار «انگلیسی ها» را دشمن این «آب و خاک» میداند! زن از دید این فرهنگ همان وسیله ارضا جنسی است که در عین

دیگر توهیناتش به بشریت یافت! وه که چه مغفور است، حتی اسامی این مهملات.

خانواده در بهترین حالت، تعریفی سنتی و عقب مانده و به شدت مافیایی در این فرهنگ دارد! خانواده به سبک سنتی ایرانی اولین واحد توسری خوردن زن و کودک در جامعه است! محل مهندسی افکار و شستشوی مغزی فرزندان، به عنوان مایملک والدین، محسوب میشود! نوجوان در این فرهنگ اسیر تبعیض سنیت و «احترام» به بزرگتر و اطاعت کورکورانه برایش امری واجب به شمار میرود!

حق صحبت و اظهار نظر ندارد! حق خنده ندارد! کودک در این فرهنگ همانقدر ملک شخصی محسوب میشود که حوله و عینک! میتوان سرش داد کشید، کنکش زد، روسری سرش کرد، نماز یادش داد و ختنه اش کرد!

این فرهنگ همه جا با توضیح المسائش و حماسه ها، صوفی بازی و خلسه و عرفان و کتاب اخلاقی حضور دارد، چه در رختخواب، چه در دستشویی و چه در کوچه و خیابان! چون مومیایی انسان مدرن

امروز را تعقیب میکند. اما بر خلاف کسانی که این چرنیبات را برای کسی که در این جامعه چشم به جهان گشوده همچو «آش کشک خاله» میدانند و با وقاحت تمام چنین مینمایند که گویی چیزی شبیه گروه خونی «O+ ایرانی» یا «AB- شرقی» وجود دارد که باعث میشود ما «ذاتا» «ایرانی» باشیم و «ایرانی» فکر کنیم، معتقد این مزخرفات برازنده و بیشکش همانهاست که مقدسش میدارند و قصد ختنه کردنش به جامعه را دارند! مفت خودشان، ما نمی خواهیم.

می توان و باید این فرهنگ را پس زد و نخواست! میتوان و باید با آن و مبلغینش مبارزه کرد! در جامعه ای برابر و آزاد که ما قصد ساختنش را داریم این مجموعه ارتجاعی ترین سنن ما قبل تاریخ همچو یخی هستند روبروی خورشید!

ما انقلابی ها، ما کمونیست کارگری ها همه این احکام پوسیده را به مضاف میطلبیم! ما پلانفرم و آلترا تیبو خود را برای برابری دنیایی بهتر و فرهنگی انسانی در دست داریم!

راضیه مرد! یک «خبر تکراری»! راضیه در شیراز بدست پدرش و مادرش به خاطر طلاق گرفتن به آتش کشیده و مرد. خانم شیرین عبادی در سخنان خود به تعریف از اسلام پرداخته است که زندگی هزاران هزار انسان را به نابودی کشانده است. آیا به نظرات اسلام با حقوق بشر مشکلی ندارد؟ خانم عبادی! چند روز پیش آمنه لاول را در نیجره نجات دادیم که به دست اسلام مورد حمایت شما به سنگسار محکوم شده بود. خانم عبادی راضیه در سن ۱۷ سالگی توسط خانواده مذهبی اش به مردی ۵۰ ساله با ۵ فرزند شوهر داده میشود و وقتی او از ظلم و ستم و مردسالاری میگریزد، توسط پدر و مادرش به آتش کشیده میشود. این همان اسلامی است که پدر و مادر را به کشتن فرزندانشان هدایت میکند. شما مدافع اسلام هستید نه مدافع حقوق انسانها. اما برای رسیدن به یک جامعه شاد و مرفه و آزاد و برابر باید ریشه اسلام را خشکاند و آن را از تنه قطع کرد.

وقتی در زمان کنفرانس برلین طرفداران شما آن جلسات را بر هم زدند، ناراحت شدید. اما بعدها به درک متفاوتی از آن رسیدیم.

وقتی دو شب قبل از بی بی سی مصاحبه شیرین عبادی بعد از بردن جایزه را شنیدم که اسلام و آزادی را جمع می‌سیند! یا خود گفتم (عالم شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل).

چطور این فرد به خودش اجازه میدهد دادیم که به دست اسلام مورد حمایت شما به سنگسار محکوم شده بود. خانم عبادی راضیه در سن ۱۷ سالگی توسط خانواده مذهبی اش به مردی ۵۰ ساله با ۵ فرزند شوهر داده میشود و وقتی او از ظلم و ستم و مردسالاری میگریزد، توسط پدر و مادرش به آتش کشیده میشود. این همان اسلامی است که پدر و مادر را به کشتن فرزندانشان هدایت میکند. شما مدافع اسلام هستید نه مدافع حقوق انسانها. اما برای رسیدن به یک جامعه شاد و مرفه و آزاد و برابر باید ریشه اسلام را خشکاند و آن را از تنه قطع کرد.

نمیخواهم به او توهین کنم. من خیلی کوچکتز از او هستم و مسلماً دانش او را ندارم. اما حرفهایش توهینی به شعور همه دوستداران آزادی بود. برایش متأسفم.»

#### بابک شدیدی ترکیه

#### خانم عبادی، راضیه مرد!

اروپا مصمم است که از سرمایه گزاریش در اسلام سیاسی و خصوصاً حکام ایران با چنگ و دندان حفاظت کند. اجلاس دو روزه هیئت نمایندگان ایران و اتحادیه اروپا در خفا آغاز و سپس نتایج آن در شنبور دمیده شد. تم اصلی اجلاس وضعیت حقوق بشر در ایران بود. نکته جالب اینکه اتحادیه اروپا در دو نقش ظاهر شد، محلل غرب و اسلام سیاسی از یکسو و محلل بین دو جناح آرایش اسلامی حاکم در ایران از سوی دیگر. نمایندگان هر دو جناح در این اجلاس شرکت

بمب های حماس و بن لادن و تالشهای وزارت اطلاعات و مقالات کیهان شریعتمداری میتواند اسلام را نجات دهد. «سومین فرد مسلمان که جایزه نوبل دریافت کرد»، «اولین زن مسلمان که به دریافت این جایزه نایل شده است»، «سرتیتر خبری بنگاههای تبلیغاتی غرب بود. صادق زیبا کلام از شرکای سروش در «انقلاب فرهنگی» کذایی جمهوری اسلامی با دمش گردو میشکند که ببینید در جمهوری اسلامی هم میشود جایزه حقوق بشر گرفت. نیره توحیدی در وصف پیروزی مسالمتجویی بر خشونت طبلی

بمب های حماس و بن لادن و تالشهای وزارت اطلاعات و مقالات کیهان شریعتمداری میتواند اسلام را نجات دهد. «سومین فرد مسلمان که جایزه نوبل دریافت کرد»، «اولین زن مسلمان که به دریافت این جایزه نایل شده است»، «سرتیتر خبری بنگاههای تبلیغاتی غرب بود. صادق زیبا کلام از شرکای سروش در «انقلاب فرهنگی» کذایی جمهوری اسلامی با دمش گردو میشکند که ببینید در جمهوری اسلامی هم میشود جایزه حقوق بشر گرفت. نیره توحیدی در وصف پیروزی مسالمتجویی بر خشونت طبلی

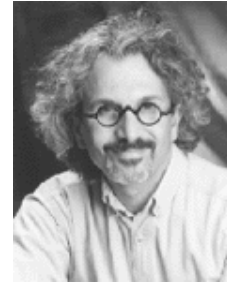
#### اتحادیه اروپا بند را آب داد





## درحاشیه کنسرت گروه آریان

# فردا مال ماست!



**جوانان کمونیست:** ما معمولاً حول مسائل سیاسی سراغ شما می‌آییم. اینبار میخواهم در مورد یک موضوع متفاوت با شما صحبت کنیم: گروه آریان. این گروه موسیقی اخیراً در لندن کنسرتی داشت و با استقبال بی سابقه‌ای روبرو شد. موضوع چیست؟

**علی جوادی:** از موضوعاتی بجز سیاست استقبال میکنم، ولی امینوارم که نا امیدتان نکنم! همانطور که اشاره کردید یکشنبه هفته گذشته (۵ اکتبر) گروه آریان کنسرتی در لندن داشته است که با استقبال گرم تماشاچیان و مشخصاً جوانان روبرو شده است. بنظر گروه آریان یکی از بهترین‌های تاکنونی موسیقی پاپ ایران است. من از گروه آریان خوشم می‌آید.

**جوانان کمونیست:** چرا این گروه را دوست دارید؟

**علی جوادی:** یک گروه و مجموعه شاد و امروزی و اروپایی هستند. اورژینال و خلاقند. متعلق به نسل و دنیای امروزند. یک فرآورده خوب نسل ماهواره و اینترنت. تعدادی دختر و پسر جوان که به کارشان مسلطاند. با موزیک و ظرایف تکنیکی و پیچیدگی آن آشنایی نسبتاً خوبی دارند. چه در حیطه نوازندگی موزیک

پاپ ایران بشمار می‌روند. فکر میکنم در یک فضای آزاد و باز و بدون از تمامی محدودیتهای هنری که رژیم اسلامی بر کار و فعالیت هر کس ایجاد میکند، میتوانند رشد و خلاقیت بسیار بهتری از خود نشان دهند. دختران این گروه مجبور نخواهند بود لچک و مقنعه بسر کنند و صدای گلویشان خفه شود و مجبور نخواهند شد از صدای خوانندگان مرد گروه بطور مجزایی شنیده نشوند.

**جوانان کمونیست:** فرق این گروه با سایر گروه های موسیقی ایرانی چیست؟

**علی جوادی:** تفاوت زیاد است. در سنت پاپ و راک کار میکنند. زمینی و امروزی هستند. بسیار شبیه گروههای خوب دهه هفتاد میلادی هستند. منو یاد گروه مودی بلوز می‌انازند. میدانید که دهه شصت و هفتاد عصر شکوفایی موزیک پاپ بود. بیتل‌ها پیش‌تاز این سنت بودند. از موسیقی سنتی ایرانی به شدت فاصله دارند. یک بریدگی کامل از سنت موسیقی حزن انگیز و خفه کننده ایرانی و سنت عرفان در موسیقی هستند. شعرشان بدون اینکه قالبی و کلیشهای باشد شرایط متفاوت پیچیده زمان خود را منعکس میکند. هم بیان درد و وحشت کنونی زندگی امروز و هم بیان تلاش و امید به سوی فردای بهتر هستند. (دونه دونه می‌خواهند اشکهای روی گونهها را پاک کنند. دونه دونه می‌خواهند همه خانه‌ها را پر از شادی کنند. سهم شان را از زندگی می‌خواهند. فردا مال آنهاست. وقت لبخند گلهاست. فردا از آن شان باد!) تفاوتهای مشخصی هم با گروههای پاپ ایرانی تاکنونی در چند دهه گذشته دارند. پیچیده تر و تکنیکی ترند. ترکیبی از کار گروهی و تکنوازی ارائه میکنند. اولین گروه پاپ هستند که زنان در آن هم می‌نوازند و هم می‌خوانند.

**جوانان کمونیست:** شما از لحاظ سیاسی این گروه را چطور ارزیابی میکنید؟

**علی جوادی:** نمایانم چقدر شاخص سیاسی صرف میتواند ملاک تعیین کننده‌ی در تبیین از موسیقی و سبکهای هنری باشد. میدانم جایی دارد. مسلماً کلام ضد انسانی بجای برانگیختن وجد و شادی منجر به احساس تنفر و زدگی خواهد شد. اما آنچه در حیطه ترانه کلام قابل قبول است حوزه بسیار باز و گسترده‌ای است. گروه موسیقی گروه موسیقی است. سازمان و حزب سیاسی نیست و با این شاخصها هم نباید اساساً ارزیابی شود. اما معمولاً در موزیک پاپ شما دو شاخه و رگه تاکید را مشاهده میکنید. رگهای که تاکید بر شعر و کلام دارد. مضمون شعر و کلام برایش تعیین کننده است. و رگهای که بر تکنیک موزیک و نوازندگی و هماهنگی آن تاکید دارد، شعر و کلام جایگاه تبعی ایفا میکند. آریان در کلیت خودش مجموعه و ترکیبی خوبی از هر دوست بجز یکی دو تا سکنه در اینجا و آنجا.

**جوانان کمونیست:** ترانه «ایران» این گروه کم و بیش همان حرفهای همیشگی و مبتذل ناسیونالیستی در مورد ایران و مقام و منزلت خارق العاده اش در این کره خاکی است. راجع به این ترانه چه فکر میکنید؟ (در ضمن همین ترانه دوبار در کنفرانس لندن خوانده شد.)

**علی جوادی:** آهنگ «ایران» مشخصه و تعیین کننده خلصت شعری و ترانه سرایی گروه آریان بنظر نیست. همانطور که آهنگ «علی» نیست. اما ترانه «ایران» ترکیب غریبی است. به لحاظ موزیک خوب و جذاب است. تکه تکنوازی گیتار الکتریک آن واقعاً شنیدنی است. به لحاظ کلام و شعر تماماً ناسیونالیستی و کودنانه است. گروه آریان بهتر است

از این حوزه واقعا دوری کنند و تسلیم فضای ناسیونالیستی نشوند.

**جوانان کمونیست:** ترانه محبوب شما از این گروه کدام است؟

**علی جوادی:** گل آفتاب گردان. **علی جوادی:** شما هم باید بشنوید. زیباست. گل آفتاب گردان را هر چه بیشتر گوش میکنید بیشتر روی پوست شما رشد میکند. دوست دارید با موزیک همراهی کنید. کاری خوب و ماندنی است. امضای این گروه هنری است.

**جوانان کمونیست:** در عکس‌هایی که از گروه آریان دیدم، یکی از دخترهای همراه گروه هنوز حجاب تحمیلی‌اش را در لندن هم بسر دارد. فکر میکنید چرا اینطور است و شما چه فکر میکنید؟

**علی جوادی:** این دیگر واقعا درد آور و تلخ است. آیا این شرط وزارت ارشاد رژیم اسلامی برای صدور مجوز سفر برای این گروه بوده است؟ بنظر باید اینطور باشد. آیا نمیتوانستند این شرط را تا حد امکان زیر پا گذارند؟ بنظر باید تلاش بیشتری میکردند و بکنند. وگرنه کدام زن و انسانی حاضر است تن به چنین تحمیل و خفتی بدهد. اینها از همان نسلی هستند که دارند در تظاهرات حجاب را بشباه سمبل تحقیر و قنارت بر زن به دور می‌انازند و می‌سوزانند.

**جوانان کمونیست:** کلا فکر میکنید موسیقی در جامعه ایران چه نقشی و چه آینده‌ای دارد؟

**علی جوادی:** زندگی بدون موسیقی تلخ و یکنواخت است. با سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و ایجاد یک جامعه آزاد و امروزی و مرفه ما شاهد انفجار موسیقی در ایران خواهیم بود. موسیقی و رقص فضای جامعه را در بر خواهد گرفت. به قول آریان «فردا مال ماست!»

است.)) باید دست مذهب را از زندگی مردم در جهان کوتاه کرد. این کاری شدنی است و یکی از وظایف مهم جنبش کمونیسم کارگری می باشد.

از صفحه ۲

## رویدادهای هفته

داشته اند و جالبتر اینکه خانم کربستینا گالاک، سخنگوی هاویه سولانا، مسئول سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا در گفتگو با رادیو فردا میگوید: «ما شاهد تحولات جالبی بویژه برای نخستین بار اینهمه آمادگی به ویژه از جانب قوه قضائیه ایران می‌بینیم ... ما معتقدیم در زمینه حقوق بشر پیشرفتهای قطعی حاصل شده است.» اینکه چگونه میشود قوه قضائیه حکومت اسلامی در اروپا دل خانم گالاک را برد و همزمان در تهران زنان درند را برای سنگسار شدن و اعدام بخطر کند، معماست که پاسخ آنرا جایزه نوبل میدهد: تلاش برای نجات اسلام و حکومتش به روش های بدیع و بی سابقه!!

سی ۱۱۲ اکتبر ۲۰۰۳ پخش کرد. فقط در نیکاراگوئه سالانه بیش ۷۰ هزار زن و دختر نوجوان به علت سقط جنین غیر قانونی جان خودشان را از دست می دهند و ۶۰ هزار نفر دیگر اقدام به سقط جنین می کنند. در گزارش دختر بچه‌هایی را نشان می داد، که به علت ممنوعیت استفاده وسایل بارداری از قبیل کاندوم و قرص ضد بارداری هر کدام صاحب چند فرزند بودند. دین مسیح هم مانند سایر ادیان و از جمله اسلام مخالف آموزش جنسی در مدارس و جامعه است. در مائیل پایتخت بلژیک دهها هزار کودک خیابانی وجود دارد که به علت پرجمعیت بودن خانواده ها و فقر اقتصادی بدون هیچ حمایتی در خیابانهای مائیل سرگردان هستند. جدال سختی بین مذهبیون و طرفداران حقوق زنان و کودکان برای قانونی کردن جلوگیری از بارداری و آموزش جنسی در جریان است. در کنیا کلیسای کاتولیک در غیاب سازمان بهداشت عمومی تمام امور بهداشتی این کشور را در دست دارد. در کشوری که هر



## جمال کمانگر

انگیزسیون، کلیسا آرام قربانپاشان را از میان زنان و کودکان می‌گیرد. شاید باور کردنی نباشد اما واقعیت دارد پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک های جهان ۲۵ سال پیش با شعار عوام فریبانه «برای زندگی» با هرگونه جلوگیری از بارداری و سقط جنین مخالفت کرده و با وقاحت تمام این سالها خود و نمایندگان ریز و درشتش در سرار جهان منادی گسترش ایبز و سقط جنین غیر قانونی بوده اند که روزانه جان هزاران نفر را می‌گیرد. طبق گزارشی که تلویزیون بی بی

## پاپ و کاندوم!

به یانه ۲۵ سال مبارزه پاپ ژان پل دوم علیه کاندوم!

همین دیروز بود که گردانندگان جایزه صلح نوبل اسمش را در لیست گیرندگان این جایزه قرار داده بودند. و آقای لخالوئاسا گریه کنان از اینکه این جایزه به وی تعلق نگرفته است شاکمی بود. بعضی اوقات انسان فکر می کند که مذهب در قرن ۲۱ فقط به سیاق اسلامیون لجام کسبخته و عریان دست به وحشیانه ترین جنایت علیه انسان می زند. اما نمایندگان خدا اهرمهای دیگری برای کشتار در اختیار دارند که فقط برانزده خشکه مغزان مذهبی است. مرگ آرام و تدریجی در مقیاس صدها هزارنفری را باید به لیست جنایات مذهبیون در جهان نوشت و این بار بر خلاف دوران

## وقتی ما به قدرت برسیم! جهانی از رفاه و حرمت برای کودکان



### مزگان عزیز!

درست میگوئی، از همان جایی باید شروع کرد که در آخر نامه ات گفته ای. از بوجود آوردن تغییرات جدی در وضعیت مردم و در راس مردم کودکان!

اگر سه ماه دیگر نشانی از حکومت اسلامی ایران نباشد و مردم حزب کمونیست کارگری ایران را انتخاب کردند تا بقرول شما این مملکت خراب شده را درست کنند و مهمتر از هر چیز، وضع کودکان را تغییر بنیادی بدهند، آن روز چرخ جهان و ایران طور دیگری خواهد چرخید!

شما مجموعه متنوعی از امکانات آموزش میان، آموزش والدین و انواع مشاوره و خدمات به سالمندان، خانواده های جوان و مردم با مشکلات روانی، را نام بردید امکاناتی که امروز در غرب در اختیار مردم است و مردم کشورهای چون ایران و با حکومت های مشابه حکومت اسلامی هرگز ذره ای از آن نصیب شان نمی شود. این امکانات و حمایت ها تنها گوشه کوچکی از حق کودکان، خانواده ها و سالمندان در جوامع متدین امروزی است. در شهر و کشور شما هم سهم مردم، کودکان، سالمندان و بیماران از مواهب جامعه بسیار بیش از آن است که میبینید. آنجا هم اندازه کیف پول و دستمزد تعیین میکند که طبقات مختلف مردم، چقدر حق دارند! با این حال، در همین وضعیت بی حقوق امروز مردم در غرب، می بیند که وضعیت آنها با شرایط کودکان، والدین، بیماران و سالمندان در ایران قرنها فاصله دارد. کوبی موجوداتی از دو نوع متفاوت و ساکن دو سیاره مختلف اند!

مقایسه خدماتی که در بیمارستان شما عرضه میشود با آنچه که در ایران بر کودکان و والدین می گذرد، گوشه کوچکی است از آنچه که انسان قادر است انجام دهد! تناقض وضعیت و حشمتاک، بدوی و مذهب زده ای که کودکان در ایران در آن قرار دارند با بیمارستانی که شما در آن کار میکنید، تناقض بین وضعیتی که حداقل حقوق انسانی کودک در آن جاری است با

رفاه و آسایش و کرامت انسانی، برای خودش و در راس همه برای کودکان را بسازد.

با بقدرت رسیدن حزب کمونیست کارگری دریایی از امکانات انسانی، مادی و روانی بسمت پاسخ دادن به نیازهای مردم و نیازهای کودکان سرازیر خواهد شد. جامعه ای که در آن تولید نه به خاطر سود که برای رفع نیازهای انسان و در صدر آن نیازهای کودکان سازمان یافته است، امکانات می آفریند. جامعه ای که در آن طبقه بالادست و پائین دستی نیست، مزدبگیر و کارفرمایی نیست، انسان را برسر نوشت اش حاکم میکند. جامعه ای که در آن زن ستیزی و کودک ستیزی و بیگانه ستیزی و تحمیق و خرافه مذهب جایی ندارد، فرهنگ انسانی رفتار با کودک و زن را رشد میدهد. جامعه ای که حزب ما میخواهد، نظامی است که در آن رشد و اعتلای هر فرد شرط اعتلا جامعه است، جامعه ای است که در آن مواهب زندگی به وفور در اختیار همگان است. و همه این یعنی سوسیالیسم! و اگر سه ماه دیگر آمدند و در حزب کمونیست کارگری را زنده که بیاید و این مملکت خراب را درست کنید، مطمئن باشید قدرت عظیمی در اختیار جامعه است. در اولین روزهایی که همگی ما، شما و همه مردم ایران، عزم کردیم که برای ساختن مناسبات اجتماعی که این حزب میخواهد، قدم پیش بگذاریم، امکانات فراوانی در ایران، از همه جای جهان، بسوی آن سرازیر خواهد شد. بعلاوه دکتر، متخصص، مربی و معلم در صفوف جنبش کمونیسم کارگری کم نیست. خود شما یکی از آنها هستید!

در مورد «اول کودکان»، بی تردید همه اطلاعات شما و دوستانی چون شما با ارزش است. لطفا هرآنچه را که فکر میکنید در مورد فعالیت برای کودکان کمک میکند، برایمان ارسال کنید. ضمن اینکه از همکاری دوستانی چون شما که توجه جدی تری به فعالیت برای تغییر وضعیت کودکان دارند، به گرمی استقبال می کنیم و از پیش دست همکاریتان را می فشاریم.

اول کودکان کمیپی بود که منصور حکمت متبکر آن بود و توسط و من منصور حکمت اواخر سال ۹۹ تأسیس شد. یک معرفی ساده از اول کودکان را نیز ارسال می کنم که امیدوارم خوانندگان را با ما بیشتر آشنا کند.

## اگر در حزب شما را زنده، و کودکان!

مصطفی عزیز امروز در میان گرفتاریهایم این چند فکر به سرم آمد.

- هیچکس هیچ برنامه ای برای بهبود بخشیدن به وضعیت بهداشت، خصوصا بهداشت کودکان، در ایران ندارد.
- در حال حاضر در یک بیمارستان کودکان در شهری در یک کشور غربی کار میکنم. جای فوق العاده ای است. در اینجا به اطلاعات گسترده ای در زمینه طب اطفال و بهداشت جسمی و روانی کودکان دسترسی دارم. خواهش میکنم فقط به تیتیر مطالبی که جمع آوری کرده ام نگاه کوتاهی بینداز و ببین اگر شما کمونیستها بخواهید سرکار بیاید چقدر کار در پیش روی خود دارید! (در ضمن بنظر میرسد که حقیقتا به اینکه شما ممکن است روزی کاری برای این مملکت بکنید اعتقاد پیدا کرده ام!) در پایین لیست جزوات و راهنمایی های مختلف را که در این بیمارستان در دسترس همگان است می آورم.

— راهنمای مسئولین و والدین و راهنمای حقوق کودکان.  
— راهنما های مراکز مختلف مشاوره برای زوجها، خانواده ها، خشونت های درون خانواده (ابعاد چنین مرکزی را در ایران در نظر بیابید!)  
— راهنمای مراکز حمایت از بیماران افسرده و حمایت از خانواده بیماران افسرده (از این مرکز چند درصد جمعیت ایران میتواند بهره مند شود!?)  
— راهنمای مراکز آموزش بهداشت، برای آموزش به کودکان مبتلا به بیماریهایی چون صرع، دیابت و مبتلا به مشکلات مادرزادی. حتی جزوه راهنما تحت این عنوان «چگونه با مسخره شدن در مدرسه بایستی کنار آمد؟» (این جزوه برای کودکان نوشته شده است و استراتژیهای مختلف در اختیار کودکان میگذارند تا بتوانند مسئله را حل کنند).  
— سرویس های حمایت از والدین زیر ۱۸ سال!  
— کلاسهای آموزشی ولایت، (منظورم ولایت فقیه نیست! بلکه یاد گرفتن اینکه چگونه بعنوان ولی، پدر و مادر، مسئول رفتار کنیم).  
— گروههای پشتیبانی از والدین مجرد (خانواده های تک والد) و صدها نیاز دیگر. آیا همه اینها میتواند بدر «سازمان اول کودکان» بخورد؟ آیا هواداران حزب شما (دانشجویان پزشکی، دانشجوی بهداشت و یا پرستاری) علاقه ای به کار کودکان در این زمینه ها دارند؟ فکر من اینست که بالاخره اگر سه ماه دیگر آمدند و درب حزب کمونیست کارگری را زنده و گفتند بیاید و آن مملکت خراب شده را درست کنید، از همین جاها بایستی شروع کرد. ارادتند، **مزگان روشن ضمیر**.

مزگان عزیز! خیلی خوشحالم که تو هم بالاخره باور کردی که ما کمونیستها میتوانیم کاری برای آن «مملکت خراب شده» و راستش خراب بوده! انجام دهیم. مهمترین کاری که ما داریم میکنیم اتفاقا در حله اول اینست که هزاران و هزاران انسان شریف را متقاعد کنیم که ما میتوانیم دست در دست هم بگذاریم و جامعه ای یکسره متفاوت از وضع کنونی درست کنیم. کار اساسی ما این است که قدرت سیاسی بورژوازی (چه اسلامی و چه سلطنتی و هر نوع دیگر) را سلب کنیم، حکومت و شرایطی بوجود آوریم که انرژی میلیونها انسان نظیر خود شما برای ساختن دنیایی بهتر آزاد شود و به حرکت درآید. من اطمینان دارم که از حکومت ما و جامعه ما نه فقط میلیونها ایرانی آزادیخواه بلکه حتی همه انسانهای شریف دنیا استقبال خواهند کرد. چه بسا نه فقط خود شما بلکه همکار غیر ایرانی تان نیز رغبت پیدا کند برای ساختن بیمارستانهایی به مراتب بهتر و مجهزتر از آنچه که شما اکنون در آن کار میکنید، به یاری جمهوری سوسیالیستی یا حکومت بلاواسطه شوراهای مردم در ایران پیوند!

مزگان جان من عین نامه شما و این یادداشت را برای ثریا شهابی رئیس سازمان «اول کودکان» میفرستم. از ثریا ممنون میشوم اگر او هم در این مکالمه ما وارد شود و توضیحاتی هم در مورد اول کودکان بدهد.

**مصطفی صابر**

سال گذشته سیتامبر، اولین کنفرانس بین المللی اول کودکان را در سوئد، را برگزار کردیم. تصور و آرزویمان این بود که اولین کنفرانس Children First را منصور حکمت افتتاح خواهد کرد که متأسفانه بیماری سرطان او را از ما گرفت.

دومین کنفرانس اول کودکان را ۲۹ و ۳۰ نوامبر در استکهلم سوئد برگزار میکنیم. این کنفرانس در مورد رفاه و امنیت کودکان است. اطلاعات بیشتر در مورد اول کودکان و کنفرانس امسال را میتوانید در سایت های rowzane.com و childrenfirst.org ببینید.

اول کودکان امروز یک سایت اینترنتی به سه زبان فارسی، انگلیسی و سوئدی دارد. همچنین سه نشریه به زبانهای فارسی، سوئدی و انگلیسی منتشر میکند و در کشورهای کانادا، سوئد، آلمان و انگلیس سخنگویان و دفتری دارد. در سوئد اول کودکان به خوبی بعنوان یک سازمان جدی و رادیکال مدافع حقوق کودک شناخته شده است و یکی از سازمانهای موثر و مطرح در مبارزه علیه حجاب کودکان و علیه مدارس اسلامی است. تعداد زیادی از دست اندرکاران و مدافعین حقوق کودک، دور این کمپین جمع شده اند.

آن توسط من نوشته شد که در همفکری با منصور حکمت تغییراتی کردند.

به پیشنهاد منصور حکمت، من بعنوان رییس اول کودکان مسئولیت کامل راه اندازی کمپین را بعهده گرفتیم. منصور حکمت می گوید:

«رفتار هر جامعه با کودکان مهمترین محک درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است. کودکان مقدم اند، بر هر چیزی، بر هر ملاحظه و منفعت ملی، اقتصادی، سیاسی، اینتلوژیک و مذهبی.» و این انسانی ترین و رادیکال ترین پلافرم دفاع از کودکان است.

کمپین و مقاله منصور حکمت به یک جنبش بین المللی علیه حجاب کودکان شکل داد.

اما تأسیس اول کودکان، عملا تا دو سال بعد به تعویق افتاد. من با خارج شدن از رهبری فدراسیون و سردبیری همبستگی، برای تأسیس اول کودکان اعلام آمادگی کردم که با استقبال منصور حکمت مواجه شد. و ما این کمپین را در نوامبر ۱۹۹۹ رسماً و عملاً تأسیس کردیم.

سند تأسیس آن را منصور حکمت به انگلیسی نوشته بود که من آن را به فارسی برگرداندم. نسخه اولیه سایر اسناد

## اول کودکان یک معرفی کوتاه

### ثریا شهابی

ایده تشکیل کمپین اول کودکان را، منصور حکمت اواخر سال ۹۷، در دل کمپینی که در سوئد علیه حجاب کودکان براف افتاد بود، مطرح کرد. این کمپین منجر به نوشتن مقاله «در دفاع از ممنوع کردن حجاب اسلامی برای بچه ها» توسط منصور حکمت شد. این



## در پاسخ به سینا سوسیالیسم پورنوگرافی همجنسگرایی



### مصطفی صابر

(سلام مصطفی عزیز. از زحمات

برای نشریه واقعا متشکرم. جواب هایی که به رها صفایی دادید (شماره ۱۱۰) بسیار جالب بود و پاسخ بسیاری از سوالات من نیز بود که خوشحالم برلم روشن شد. اما در این میان باز هم برلم سوال پیش آمد. شما گفتید پزشکان نیز با سرمایه دار مثلا رئیس بیمارستان و... هستند یا خود نیروی کار خود را به دیگران میفروشند اما در این میان افرادی هستند که برای خود مطب میزنند. این افراد در حقیقت نیروی کار خود را به خود میفروشند. من متوجه نشدم که این عدده افراد را جزو چه طبقه ای بدانیم؟ در مورد این که گفته بودید «یک دنیای بهتر»، مانیفست عصر ماست، کاملا با شما موافقم؛ من بارها و بارها یک دنیای بهتر را میخوانم و پاسخ بسیاری از سوالاتم رو از آن بدست می آورم.

مصطفی جان میخواستم بحثی رو باز کنم. اکثر جامعه ایران را جوانان تشکیل میدهند. میباید که جوانان عزیزه جنسی دارند و مسائل جنسی یکی از دغدغه های هر جوانی است. احزاب و دولت ها موظف اند برنامه ریزی هایی در این زمینه بکنند. در «یک دنیای بهتر» مسائلی مثل روابط جنسی و سقط جنین و... به خصوص بررسی شده است. اما به نظر من نیاز به بررسی بیشتر و بحث بیشتر دارد. مثلا یکی از مسائل جنسی که در غرب بسیار مطرح است و در ایران نیز در حال گسترش است پورنوگرافی است. در جمهوری سوسیالیستی نیکه برخورد به این مساله چگونه است؟ یکی دیگر از این مسائل حقوق اقلیت های جنسی مثل همجنس گرایان است. این دسته از افراد از بسیاری از احزاب و دولت ها ضربه دیده اند. بی شک این دسته افراد به دنبال حزی هستند که به طور واضح خواستار بازگرداندن همه حقوق شان است. سوال این است که آیا در جمهوری سوسیالیستی حقوق اینگونه افراد نیز پس گرفته میشود (منظور اعاده میشود) یا بازهم فراموش میشوند و خواسته و ناخواسته برچسب ضد اخلاق بودن، مجرم بودن و مریض بودن به آنها چسبانده میشود. با تشکر فراوان. سینا.)

**سینا عزیز!** چه خوب که نشریه مورد پسند شماست. باید از همه کسانی که با سهم گلاری خودشان و از جمله خود شما، این نشریه را ممکن میکنند تشکر کرد. و اما سوالات شما.

### یک نگرانی، یک توصیه

در مورد پزشکان آنچه مسلم است دکتری که برای خودش صاحب بیمارستان

برومر لونی بناپارت)) به نمایش میگردد. شاید نگرانی من بی مورد است و حکایت ترس مار گریز از ریسمان سیاه و سفید باشد. اما بهر حال پیشنهاد میکنم آثار حکمت در دوره مبارزه علیه پوپولیسم چپ سنتی را حتما مطالعه کنید. بویژه اثر مشهور او «دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی» و همینطور «سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی ایران». در این آثار منصور حکمت متافزیک و آمپریم چپ سنتی در تحلیل طبقات را نقد میکند و کارست تئوری مارکس را در تحلیل مشخص جمهوری اسلامی و مبارزه طبقاتی در آن دوره، به نمایش میگردد. کلا مطالعه چپ ایران در مقطع ۵۷ و جلال جریان ما با این چپ خیلی نکات آموختنی برای کمونیست های جوان امروز دارد. علاوه بر اینکه مقطع مهمی از تاریخ عروج کمونیسم کارگری در ایران بر متن اوضاع جهانی و انقلاب ۵۷ را میتوانید مطالعه کنید، بلکه تمایلات امروز چپ سنتی را بهتر خواهید شناخت. برای مثال اگر «اسطوره بورژوازی ملی» اثر حکمت را خوانده باشید آسان است که دید چطور همان دیدگاههایی که از زمان حول تر ((بورژوازی ملی و مترقی)) جمع شده بود، حالا حول دوم خرداد و خاخی (و برخی حتی خامنه ای!) و اخیرا بعد از شکست دوم خرداد حمل (جمهوری خواهان)) و این چیزها جمع شده است. ضمن اینکه این اثر یک تحلیل پایه ای از بورژوازی در ایران ارائه میدهد که مبنای توضیح تحولات سیاسی ایران است...

### سکس و سیاست در ایران

اما در مورد بحثی که میخواهی بازکنی، خیلی استقبال میکنم و امیدوارم که دوستان دیگری هم شرکت کنند. مساله روابط جنسی نه فقط به این دلیل که جامعه ایران جوان است و جوانها عزیزه جنسی دارند، بلکه در خود یک مساله اساسی و تعیین کننده هر جامعه انسانی و بویژه ایران است. در فرهنگ مردسالار مسلط بر جوامع تاکنونی حتی صحبت در باره رابطه جنسی و سکس فیچ و غیر اخلاقی است. ولی خوب که در آن جامعه دقت میکنی می بینی اتفاقا از سرتاپای آن ستم جنسی و تبعیض جنسی (و در مورد ایران آپارتاید جنسی) می بارد. در کارخانه، در مدرسه، در خیابان، در خانواده، در خیابان، در سیاست، در هنر و خلاصه همه جا مرد سالاری و بردگی جنسی زن حاکم است. همه جا دارد فرهنگ معینی از سکس حکم میراند! (مثلا حجاب را در نظر بگیر، یا ممنوعیت قدم زدن عشاق در خیابان، یا فحشا، یا خضوت خانگی، یا تجاوز و اینکه یک زن امنیت ندارد در جایی تنهایی قدم زند، یا ممنوعیت طلاق صیغه و حمله و غیره). در همانحال اگر کسی بخواد زن و سکس و مناسبات جنسی حرف بزند باید آترا با جوانی و نیازهای طبیعی توضیح بدهد.

مناسبات جنسی انسانها نه فقط به مسائل بیپهی و مهم انسانی نظیر عشق بازی و سکس، تولید مثل، و عشق جنسی برمیگردد بلکه عمیقا به وجوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه انسانی مربوط است. سکس با مالکیت و خانواده و کل فرهنگ مردسالار جامعه گره خورده است. در انقلاب در جریان ایران

علاوه بر وجوه دیگر، یک انقلاب جنسی هم در حال شکل گیری است. انقلاب جنسی به معنی زیر و رو کردن کل تلقیبات جنسی و بشدت مردسالار جامعه، بدستن آوردن آزادی روابط جنسی و دور ریختن همه سنت ها و قواعد ضد بشری و اسلامی که حاکم است. نه فقط جمهوری اسلامی با تمام قوا میکوشد جلوی این انقلاب جنسی را بگیرد، بلکه کل راست جامعه (یعنی جنبش ملی اسلامی و همینطور جنبش ناسیونالیسم پروغرب که فعلا زیر شغل سلطنت رفته) ششیدا از این انقلاب جنسی میترسند و مخالف آن هستند. پرچم این انقلاب جنسی دست ما کمونیست هاست. در هر حال، به قول تو هنوز جای خیلی بحث در این زمینه وجود دارد و باید در باره آن بصراحت و شفافیت صحبت کرد.

### جمهوری سوسیالیستی و پورنو

بنا به برنامه حزب (یک دنیای بهتر) جمهوری سوسیالیستی بهیچ وجه در مساله مناسبات جنسی دواطلبانه انسانهای بزرگسال دخالتی نمی کند. تنها استثنا سوء استفاده جنسی از کودکان و یا تجاوز است. برنامه ما میگوید: «کلیه افراد بزرگسال (بالای ۱۵ سال) اعم از زن و مرد در تصمیم گیری در مورد روابط جنسی خود با سایر افراد بزرگسال کاملا آزادند. روابط جنسی دواطلبانه افراد بزرگسال باهم، امر خصوصی آنهاست و هیچکس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آترا ندارد.» در این عبارت پرروشی آمده است که روابط جنسی دواطلبانه افراد بزرگسال بهیچ وجه موضوع دخالت دولت «هیچ کس و هیچ مقامی»

نیست. تنها در صورتی که این رابطه اجباری و غیر دواطلبانه باشد و یا در صورتی که در این رابطه افراد زیر ۱۵ سال دخیل باشند، برنامه دخالت دولت و مقامات را مجاز دانسته است. در مورد کودکان برنامه به صراحت اعلام کرده است: «سن بلوغ قانونی بلوغ جنسی برای زن و مرد ۱۵ سال است. رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است و جرم محسوب میشود.» در بخش حقوق کودک برنامه سوء استفاده جنسی از کودک را جرم محسوب کرده است. در مورد روابط غیر جزئیاتی نظیر ممنوعیت رابطه جنسی شوهر با زن بدون تمایل او را بر شمرده است. من به یاد ندارم که جایی حزب رسما در باره پورنوگرافی حرف زده باشد. ولی فکر میکنم همین مختصر که از برنامه نقل شد تکلیف پورنوگرافی را هم معلوم میکند و یا بهر حال برداشت شخصی من این است: پورنوگرافی که در آن سوء استفاده جنسی از کودکان نباشد، موضوع دخالت دولت و «هیچ کس و هیچ مقامی» نیست. پورنو گرافی هم جزو ترجیحات شخصی و خصوصی آدم ها در زمینه سکس است که در آن (کاملا آزادند)) و هرکس بنا به میل و سلیقه خود در باره آن تصمیم خواهد گرفت. به نظر من پورنوگرافی مساله تاریخی و سابقه داری است و بنا به کل فرهنگ مناسبات جنسی آدم ها (که دانشا در حال تغییر است) تغییر خواهد کرد. هرچه مناسبات

جنسی آدم ها تکامل یافته تر، برابر تر و غنی تر بشود، پورنوگرافی هم به همان درجه تعالی پیدا خواهد کرد. بعنوان یک مشاهده روابط جنسی انسانها در جوامع امروز (و بطور وحشتناکتر در جوامع اسلامی و شرقی) بسیار مردسالارانه است. همین طبع در پورنو هم منعکس است. بی تردید برای ایجاد روابط و فرهنگ بالاتر جنسی باید از این دوره تنگین مردسالاری (که امروز سرمایه داری عملا از آن دفاع میکند) عبور کرد. آزادی روابط جنسی که بالاتر اشاره شد یک شرط حیاتی این پیشروی است.

### همجنسگرایی و اخلاقیات جنسی

از آنچه نقل شد، خیلی روشن است که همجنسگرایی بعنوان یک ترجیح خصوصی انسانها تا آنجا که دواطلبانه و بین افراد بزرگسال باشد، از نظر برنامه ما کاملا آزاد است و موضوع دخالت پالیلیک و دولت نیست. باید تصریح کنم که برنامه ما چیزی در باره همجنسگرایی نمی گوید. (همجنسگرایی و جنبش همجنسگرایی در غرب موضوع جداگانه ای است. این یک جنبش سیاسی معین است که باید جداگانه در مورد آن صحبت کرد.) اما برنامه ما بعنوان یک مساله کلی و عمومی از «حق انکار ناپذیر همه کسانی که به سن قانونی بلوغ جنسی رسیده اند» در «برقراری رابطه آزاد و دواطلبانه جنسی» قاطعانه دفاع میکند. این طبعها شامل همجنسگرایان نیز میشود. دقت کنید که ما تبلیغ و یا منع ترجیحات جنسی را کار حزب و دولت نمی دانیم. اینها مسائل خصوصی انسانها است. باز آنچه که برنامه بر آن تاکید دارد، آموزش وسیع و علمی مناسبات جنسی به منظور حفظ سلامت انسانهاست. برنامه ما خواهان قرار گرفتن آموزش مناسبات جنسی و رعایت نکات بهداشتی در برنامه درسی و آموزش و پرورش عمومی است. تا آنجا که به اخلاقیات جنسی جامعه برمیگردد، نیز موضوع مقدمتا یک مساله اساسی و عمومی است. انتظار که از برنامه ما روشن است، علنی کردن زندگی خصوصی افراد مجاز نیست. چه رسد که کسی بخواد آترا مورد طعن و لعن و قضاوت نیز قرار دهد. هم اکنون در غرب دخالت در زندگی خصوصی افراد (مخصوصا سیاستمداران و مشاهیر) و کشف دوست دختر این و دوست پسر آن و روابط خارج از ازواج فلان سازده و بهمان بانکار، به یک ناندانی و بیژنس پیشرفته و به یک معرکه گیری عجیب تحمیق و مسخ انسانها تبدیل شده است. در نمونه کلبتون و مونیکا لونسکی دیدیم که حتی چطور برای ماهها قوه قضاییه، کنکره و میبیا آمریکا و تمام جهان داشت در مورد رابطه خصوصی دو آدم (حالا هرکس که میخواهند باشد) حرف میزد، محاکمه میکرد، استیضاح میکرد، قصه می بافت و جوک مساخت! این به اعتقاد من بقایای همان چیزی است که میشود با آن سنگسار و در آتش انداختن زنان و گردن زدن کسانی که «زنا» کرده اند را توضیح داد. جمهوری سوسیالیستی به این فرهنگ و مبتذل و عقب مانده و مردسالار پایان خواهد داد. معیار اساسی جامعه سوسیالیستی انسان و حفظ حرمت اوست.

### جویتار قادیان ترکیه میخواهم در تماس باشم

طی نامه ای نوشته اند که میخواهند در تماس بیشتر با سازمان جوانان باشند. در این نامه همچنین آزادی آمنة لاوال را تبریک گفته اند و از حزب کمونیست کارگری و کمیته علیه سنگسار و مینا احدی تشکر کرده اند. نوشته اند که در این جریان حزب کمونیست کارگری نشان داد که جهان وطن است و علیه جنایات اسلامی در جلو صف قرار دارد.

جویتار عزیز ما هم خواهان فعال شدن هرچه بیشتر شما برای تحقق اهداف سازمان جوانان هستیم. در مورد خودتان کمی بیشتر بنویسید. آیا با رفقای ما در ترکیه در تماس هستید؟

### حسن از (ایران؟) تجاوز و اعدام

«بهرام جان سلام. نامه به کوفی عنان و خواسته آزادی افسانه نوروژی بیگناه واقعا تکونم داد و در دل به حال میلیونها زن بیگناه و بی چاره ایرانی که گرفتار ظلم و ستم قرون وسطایی آخوند ها هستند آتش گرفتیم. چه هستند زنان های بسیاری که توسط عوامل جلا و خونخوار رژیم ریپ شده و از ترس آبرو حتی جرئت به صدا درآمن هم ندارند و میبینی که اگر از خود دفاع کنی نتیجه حکم اعدام هست. جایی که رژیم قاتلان دست پرورده خودش رو که جون تعداد زیادی از مردم را گرفتند نه تنها اعدام نمی کنه (که امیدوارم حکم اعدام به کلی از بین بره) بلکه اوارو تشویق و تکریم هم میکنه که انسان های «مهلور الدم» رو به قتل رسونده اند!!»

در ضمن ممنون میشم برام بیشتر توضیح بلی که این شیرین عبادی کی بوده کجاس و چیکار کرده که جایزه نوبل گرفته. زنده باد ایرانی آزاد و بدون خرافات و جهل و اعدام و خشونت... پیروز باشی.»

بهرام مدرسی: مرسی حسین جان از مایل زیباییات. حتما سعی کن در محلی که زندگی میکنی مردم را برای اعتراض به حکم اعدام افسانه نوروژی قانع کنی و رسماً و کتبا این را بنویسند. این اقدامات را حتما به دست من برسانید. در رابطه با شیرین عبادی رفقای زیادی نوشته روی ارزشمندی نوشته اند که همگی روی سایت روزنه هست. منم اطلاعیه حزب در این مورد را برایت فرستادم. قربانت و بازهم در تماس باش.

### آرش سرخ تهران برنامه پخش نشد!

«ای بابا! ما با کلی ذوق رفتیم خونه یکی از دوستان اما در ساعت مقرر هفته پیش (۵:۳۰ تا ۶:۳۰ جمعه) خبری از تلویزیون اترناسیونال نبود.»

سوال را با آذر مدرسی در میان گذاشتیم. پاسخ ایشان: «دوست عزیز آرش با سلامهای گرم! از عدم پخش برنامه تلویزیون اترناسیونال پرسیده بودید، این سوال را تعداد بسیار زیادی از مردم و بخصوص جوانان از ما پرسیده اند، به اطلاعات مبرسانم که پخش برنامه های ما تا شروع به کار تلویزیون کانال جدید متوقف شده است و با به راه افتادن این کانال تلویزیون اترناسیونال هم دوباره شروع به کار خواهد کرد. امیدوارم بزودی بتوانیم برنامه ها را شروع کنیم و شما و مشتاقان دیگر را بیشتر از این در انتظار نگذاریم. دستت را میفشارم، آذر مدرسی، مدیر تلویزیون اترناسیونال.»

### رها صفایی ایران با دقت میخونم

«سلام آقای صابر. میخواستم بابت جویتان (شماره ۱۱۰) واقعا تشکر کنم. خیلی برایم لازم و مفید بود. لیست کتابهایی را هم که گفتید حتما تهیه میکنم و با دقت میخونم. سولاتم را باز هم برایتان پست میکنم. در آخر آقای صابر عزیز اینکه با تاخیر این پیغام تشکر رو برایتان پست کردم معذرت میخوام. (مشکل فنی داشتم.»

### م. ج. تهران تقد موقی قرآن

«مصطفی جان سلام، راستش مدت زیادی بود که برایتان تی میل زده بودم تا امروز که چند نکته دارم: الف) ایملیم را تغییر داده ام. ب) آیا کتاب یا مقاله ای که بصورت موقی قرآن را نقد کند سراغ دارید؟ (اگر نمیدانید ممکن است برایم تحقیق کنید؟) ث) راستش چند روز پیش متوجه شدم که در مجله جوانان ۱۰۰ نامه مرا چاپ کرده اند. بصورت دیر هنگام متشکرم!»

م. ج. عزیز خوشحالیم که دوباره با سازمان جوانان تماس میگیرید. لطف کنید یک اسم و اسم فامیل مستعار کامل انتخاب کنید. اما «تقد موقی قرآن» منظور چیست؟ این همه تفسیر قرآن های مختلف لابد دارند بطور موقی و با رجوع به عبارات قرآن آنرا تفسیر و تحویل و در واقع نقد میکنند. بسیاری هم از موضعی ماتریالیستی و تاریخی به نقد این کتاب نشسته اند. تا آنجا که جسته گریخته از قرآن و یا در باره آن خوانده ام، به نظر میرسد که این کتاب انعکاس یک نقطه عطف تاریخی در تکامل جوامع قبیله ای شبه جزیره عربستان و مشخصاً تلاش های جنبش محمد برای متحد کردن قبایل و تشکیل اتحادیه قبایل و نوعی دولت است. به نظر میرسد بین کار محمد و قرآن او و چنگیز خان و یاسای او از نظر سیر تکامل جوامع قبیله ای شباهت هایی وجود داشته باشد. قرآن گرچه به محمد منسوب است ولی گویا سالها بعد از مرگ او و در زمان عمر از میان روایت های مختلف جمع آوری و ادیت شده است. میشود

حس زد که ادیتور و یا ادیتورهای این کتاب احتمالاً بیشتر از خود محمد در شکل دادن به «کلام خدا» نقش ایفا کرده اند. شخصاً مطالبی در کتاب «اسلام در ایران» اثر پطروشفسکی خوانده ام و مقالاتی از باقر مومنی دیده ام که مفید بوده است. ولی شاید ۲۳ سال دشتی به آنچه شما دنبالش هستید نزدیکتر باشد. همینجا از دوستان مطلع در این عرصه میخواهم تا اگر منبع مناسبتری سراغ دارند معرفی کنند. اما یک جنبه از نقد قرآن هم نقد سیاسی آن است. در این زمینه حزب کمونیست کارگری پیشنهاد و جریان منحصر بفرد در نقد پیگیرانه و آشتی ناپذیر اسلام سیاسی و قرآن و مصائب پیشمار آن برای بشریت امروز بوده و هست. در طی سالهای اخیر رفقای ما مقالات سیاسی در نقد آیاتی از قرآن (بویژه در رابطه با زنان) نوشته اند. که لازم است اینها را یکجا جمع آوری کرد. و آخر اینکه اکنون مردم ایران و بویژه جوانان دارند با سرنگونی حکومت اسلام و قرآن در ایران «موقی» ترین «نقد»، یعنی نقد انقلابی از آن بعمل می آورند!

### الهه سرداری ترکیه لطفا کمک کنید!

«مصطفی جان، نمی دانی با چه ذوق و شوقی امروز نشریه (۱۱۰) را باز کردم. دوست داشتم از تحصن پناهجویان در آنکارا مینویسید. شرافتا بگویم که این بچه ها پرچم دفاع از حقوق پناهنده و فراسیون و حزب را طی دو هفته تحصن خود در آنکارا بالا برده اند. و بازهم امروز دو نشریه ترک زبان کثیر الانتشار دو صفحه را به متحصنین و عکس آنان اختصاص داده بود. عزیز جان چرا ما نباید از این بچه ها حمایت کنیم و حداقل یک صفحه از نشریه را به آنان اختصاص دهیم. این بچه ها از ساعت ۹ صبح تا پنج بعد از ظهر یک سر جلو دفتر امور پناهندگان سازمان ملل آنکارا هستند، با خبرنگاران مصاحبه میکنند، علیرغم جو پلیسی ترکیه جمهوری اسلامی را آفشاء میکنند و بعد از ساعت ۵ هم به مدت ۲ تا ۳ ساعت با وجود خستگی مفرط به سراغ احزاب و خبرگزاریها میروند و باور کن هم خونه من که یکی از متحصنین است هر شب که به خانه می آد فقط جنازه ای بیش نیست. باور رفیق کیوان جاوید در همبستگی شماره ۱۲۲ بسیار زیبا گفت که متحصنین الگوی مبارزه هستند. حالا من یک سوال از شما و رفیق بهرام مدرسی عزیزم دارم. آیا به نظرتان بهتر نیست ما این رفقا را به خوانندگانمان بیشتر معرفی کنیم تا آنها نیز به کمک متحصنین بیایند. من فقط یک چیز را بگویم این دوستان متحصن در بدترین شرایط هستند، لطفا کمک شان کنید.»

الهه جان همانطور که هم بهرام مدرسی و هم من بلافاصله به شما جواب دادیم ما عمیقاً احساس همبستگی با متحصنین در آنکارا

دائم. شما به من بگویید چگونه میتوانم با این تنفر که هر روز و هر لحظه بیشتر و بیشتر میشود، کنار بیایم و رضایت بهم که این رهبران کشتار و شکنجه اعدام نشوند؟ چه بسیار از شما که در این حزب هستید زندان رفته اید، عزیزان خود را از دست داده اید و هزار بار دچار فشار مبارزه برای حقوق پناهندگی تعلق دارد. ما خبر شروع تحصن را در شماره ۱۰۸ چاپ کردیم و اطلاعات لازم را دادیم. از همه خوانندگان بار دیگر دعوت میکنیم که با فرستادن نامه های خود به سازمان ملل به یاری متحصنین آنکارا بیایند.

### علی راستین تهران در جواب به دوست

«به دوستی که از اهواز میل زده بودند (نامه ها ۱۱۰) بگویم که کتاب فوژیاخ و ایدئولوژی آلمانی به ترجمه بابایی از انتشارات نشر چشمه در سال ۱۳۷۹ چاپ شد و اگر اشتباه نکنم امسال هم در نمایشگاه کتاب تجدید چاپ شد.» همینطور در نامه دیگری نوشته اند: «مصطفی جان، کیفیت نشریه نسبتاً بهتر شده. مخصوصاً بحث هایی که هر هفته مطرح میشود. یک نام برای این صفحه بگذار. ضمناً هنوز مایلیم که قسمت نامه ها حذف بشه و به جایش همین بحث های اخیر یا چیزهای مهمتری گنجانده بشه.»

علی عزیز. متشکر از راهنمایی ات. در مورد نامگذاری صفحات موضوع قابل تعمقی است. در مورد صفحه نامه ها، اگر پخواننده ترین نباشد ولی یکی از پر خواننده ترین صفحات نشریه است. نشریه اجزاء غیر قابل تجزیه ای دارد: خوانندگان وسیع، خوانندگان فعال، نویسندگان، سازمان و سردبیری. ما دائماً در تلاش هستیم که خوانندگان مان را گسترش دهیم، آنها را به خوانندگان دائمی و فعال و به مرور به نویسندگان نشریه تبدیل کنیم. صفحه نامه ها نقش کلیدی در این زمینه دارد. بعلاوه می بینی که این صفحه نقش مهمی در ارتباط خوانندگان با همیگر دارد و مثلاً شما میتوانید جواب سوال یک خواننده عزیز دیگر را بدهید. در ضمن یکی از دوستان که جواب خوبی که به سایت یکی از منتقدین مهاجور نشریه ما داده بود، بدرستی بر اهمیت همین صفحه در نشان دادن روحیه جوانان ایران و ارزیابی میزان واقعی نفوذ سازمان جوانان در بین جوانان انگکشت گزارده بود!

### سپاوش زلال، اهواز یک احساس تاقاضا!

«در مورد لغو اعدام از نظر روحیه شخص خودم آنرا برای جامعه بسیار مفید و انسانی میدانم. اما با وجود خواندن در باره صحنه های اعدام و دیدن فجایع تیربارانها که بهیچ وجه از جلوی چشمانم تا لحظه مرگ دور نخواهد شد، رعایت این حکم انسانی (لغو اعدام) را برای رهبران و جانیان حکومتی درست نمی

صحت کنید درست مانند گفته های منصور حکمت در «این حزب شماس!» همه کمونیست هستند اما حق عضویت نمی دهند! مردم هر شعار شما را مثل این است که مال خود میدانند. احساس غربت و نا آشنایی نمی کنند. و فقط اما! چیزی که من دیده ام و فکر میکنم ما مردم با آن مشکل داریم همین لغو مجازات اعدام در مورد رهبران جنایتکار اسلامی می باشد. با هر کسی که صحبت میکنی و میگوئی که این رهبران و جنایتکاران اسلامی را نباید اعدام کرد نگاه متعجبانه ای میکند و برایشان قابل قبول نیست. دلیل میاوری بالا و پایین میشوی، صغرا و کبرا میچینی اما کاملاً معلوم است که در دل نینتسته! شاید حرف من از دل بر نمی آید که بر دل آنها نمی نشیند. شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر خاتمی و مرگ بر رفسنجانی در تظاهرات یکی از بهترین ها و پیش برنده ترین ها می باشد. چطور میتوانیم به مردم بگویم این شعار ما نیست چون ما خواهان مرگ کسی از جمله این حضرات جانی نیستیم؟! شعار مرگ بر جمهوری اسلامی حتی ده درجه کمتر از شعار مرگ بر خامنه ای تهییج کننده است. شما بگویید چطور بر این احساس تناقض میشود غلبه کرد؟ آیا شعار مرگ بر خامنه ای غلط است، یا لغو حکم اعدام این جنایتکاران؟ این ملاحظه کوتاهی پیش روی شما در آینده بسیار نزدیکی می باشد. لطفاً توضیح بدهید. با تشکر از شما.»

سپاوش زلال عزیز. ما چون بسیار از مجازات اعدام نفرت داریم و آنرا بسیار شنیع و ضد بشری میدانیم، آنرا برای هیچکس، حتی جانیان اسلامی مجاز نمی دانیم. جمهوری اسلامی، دولت آمریکا، دولت چین و یا عربستان سعودی که رکورد دار اعدام هستند هیچکدام نمی گویند که همه انسانها مستحق اعدام هستند. آنها هم اند. آنها هم اعدام را بعنوان روشی برای انتقام جویی کل جامعه (و دولت بعنوان نماینده آن) توجیه میکنند. عبرت بگیرند و غیره. احساس تو و



# سالروز یک اعتصاب تاریخی

## یادآوری مهم

امروز سه شنبه ۲۲ مهر ماه روز مهمی است. روز شروع اعتصاب کارکنان نفت در سال ۵۷. اعتصابی که به اعتراف همه نقش تعیین کننده در انقلاب ۵۷ داشت. سامی نیکنام (محمد مزرعه کار) یکی از رهبران کارگران نفت در نوشته ای که برای ما فرستاده است، ارزیابی خود از این تجربه مهم و تاریخی را بازگو میکند. سامی خود عضو کمیته مخفی رهبری اعتصابی بود که در ابتدای نوشته اش به آن اشاره میکند. او یکی از همان ۸ نفری است که توسط فرمانداری نظامی شاه دستگیر شد و بدنبال اعتصاب سراسری کارگران بعد از چند ساعت آزاد شدند. سامی همچنین کسی است که چند روز بعد از قیام ۲۲ بهمن در اجتماع بزرگ کارگران نفت خواست رهبران نفت برای شرکت یک نماینده کارگر و یک نماینده کارمند در شورای انقلاب را رسماً از پشت تریبون اعلام میکند. وی در دوره بعد از جنگ (جنگی که یک وظیفه آن تار و مار کردن کارگران نفت و شکستن ستون فقرات جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران بود) در شورای ۱۲ نفره جنگ زدگان و بعنوان نماینده کارکنان صنعت نفت شرکت داشت. این شورا هدایت مبارزه جنگ زدگان را بر عهده داشت و تا آنجا که خاطرهم هست اعضای آن در یک هجوم جمهوری اسلامی دستگیر شدند. از سامی بخاطر نوشته اش تشکر میکنیم و امیدواریم در آینده خاطرات او را جهت اطلاع جوانان به چاپ برسانیم. (جوانان کمونیست)

بحران سیاسی و اجتماعی پس از وقوع حادثه درناک سینما رکس در اندیشه یک حرکت اعتصابی - سیاسی تعیین کننده قرار داشتند. رهبران عملی و فعالین کارگری که در تظاهرات خیابانی نقش رهبری را داشتند، جلسات کمیته های اعتصاب را برای آغاز یک حرکت وسیع، شبانه در محلات مسکونی تشکیل میدادند. ۱۵ همراه ۵۷ عده ای از کارمندان اداره کالا (ماتریال) پالایشگاه نفت آبادن کنیا مطالبات و خواسته های خود را در یک اعتصاب ۲ ساعته در درون ساختمان اداره کالا به دست رئیس پالایشگاه رساندند و یک هفته به روسای نفت مهلت دادند. روز ۲۲ مهر ماه ۵۷ به علت عدم رسیدگی به مطالبات کارکنان نفت تعداد ۸۰ نفر از آنان در یک محوطه باز بیرون ساختمان در قسمت پارکینگ اداره کالا جمع شدند تا با یک حرکت اعتصابی علنی توجه سایر کارگران را جلب کنند. بعد از اینکه مقامات نفت از وقوع اعتصاب مطلع شدند، پس از یکساعت نیروهای سرکوبگر به صف کارگران حمله کردند و ۸ نفر را به عنوان رهبران اعتصاب دستگیر و روانه زندان فرمانداری نظامی تحت ریاست تیسمار اسفندیاری نمودند و بقیه اعتصابیون که در حدود ۷۰ نفر بودند را در اطراف شهر آبادن توسط اتوبوس پخش کردند تا شروع حرکت اعتصاب نفتگران را بی اهمیت جلوه دهند. این حرکت ضد اعتصابی نفتی شعله خشم کارکنان پالایشگاه نگری آبادان را دامن زد و در تمام قسمتهای پالایشگاه یکپارچه دست از کار کشیدند. آزادی رهبران اعتصاب و خروج قوای نظامی به خواسته های اعتصابیون افزوده شد. زنگ سقوط رژیم شاه برای نخستین بار در سراسر صنعت نفت توسط نفتگران اعتصابی به صد درآمد. با شکوه ترین لحظه زمانی بود که



## سامی نیکنام

کارگران و کارمندان بخش ترانسپورت با مارش و راهپیمایی وسیع با شعار «اتحاد، اتحاد»، «کارگر و کارمند، اتحاد، اتحاد»، «شورای انقلاب» طرف کارکنان اداره کالا حرکت کردند. همبستگی و اتحاد کارکنان چه کارگر و چه کارمند بی نظیر و تاریخی بود. کل طبقه سرمایه دار ایران چه رژیم شاه و چه اپوزیسیون ملی - اسلامی به رهبری خمینی را به وحشت انداخت. خمینی از پاریس با فرستادن بازرگان و رفسنجانی آمادگی خود را برای کنترل مبارزات کارگران نفت و سپس سرکوب آنان در مرحله بعد از ۲۲ بهمن را از همان ابتدا به همگان نشان میداد. کارکنان نفت بعنوان پیشروترین، موثرترین و قاطع ترین بخش طبقه کارگر ایران با عدم تولید نفت در مقیاس ۷ میلیون بشکه و کم کردن تولید نفت تنها در حد احتیاجات مصرف داخلی و عدم صدور نفت خام به دولتهای ژنادرست اسرائیل و آفریقای جنوبی عملاً کمر رژیم شاه را شکست و آخرین گام را برای سقوط سلطنت در ایران برداشت. اما نفتگران اعتصابی همراه با سایر کارگران اعتصابی در سراسر ایران نتوانستند به قدرت سیاسی برای دستیابی به یک جامعه مرفه، آزاد و برابر دست یابند. گرچه مبارزات کمیته های اعتصاب به شورشهای کارگری منجر گردید، اما شورشهای توده کارگران پیروزی نهایی بودند. طبقه کارگر ایران

## جلسه آموزشی همین پنجشنبه

علاقتمندان توصیه میکنیم: - درباره مباحث کنگره دوم حزب کمونیست ایران، مصاحبه نشریه کمونیست با منصور حکمت - اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسم - مبنای کمونیسم کارگری، سمینار اول مارس ۱۹۸۹ - تفاوتها ما - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران - سمینار مبنای کمونیسم کارگری در انجمن مارکس-حکمت لندن (فایل صوتی، سایت انجمن مارکس-حکمت و بنیاد منصور حکمت) - **مریم طاهری مسئول خارج سازمان جوانان کمونیست، تلفن تماس ۰۷۰۴ ۸۶ ۸۶ ۴۷**

برنامه های آموزشی سازمان جوانان در پال تاک، هر هفته روزهای پنج شنبه ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی و ۹ و ۳۰ به وقت ایران تشکیل خواهد شد. این جلسات در اتاق «آموزشی، جوانان کمونیست» به صورت هفتگی و توسط **آذر مدرسی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری**، ارائه میشوند. در جلسه این هفته به پیش کمونیسم کارگری نسبت به مبارزه طبقاتی، نقد کمونیسم کارگری به جامعه سرمایه داری، رابطه حزب و طبقه، انقلاب و اصلاحات خواهیم پرداخت. متون زیر را برای مطالعه به همه

مبارزات خستگی ناپذیرش به علت عدم وجود یک حزب کمونیستی و کارگری به شکست کشانیده شد. علیرغم اینکه رهبران اعتصاب در اجتماع ده هزار نفری مقابل پالایشگاه آبادن خواستار شرکت یک نماینده کارگر و یک نماینده کارمند در «شورای انقلاب» خمینی شدند، اما در غیاب حزب سیاسی طبقه کارگر هیچ تضمینی برای شرکت در قدرت سیاسی وجود نداشت. حتی با وجود ارگانهای توده ای و مجامع عمومی و شوراها اگر طبقه کارگر حزب سیاسی و متشکل خویش را نداشته باشد، پیروزی کارگران به هیچ وجه قطعی و اجتناب ناپذیر نیست. بر خلاف سال ۵۷ اکنون طبقه کارگر حزب کمونیست کارگری ایران را دارد. این حزب بعنوان نماینده کارگران و مردم در صحنه سیاست ایران حاضر و آماده است. حزب کمونیست کارگری قطب نمای حرکت کارگران، زنان و جوانان و معلمان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه مرفه و آزاد و برابر یعنی جمهوری سوسیالیستی است. حزب کمونیست کارگری ایران حلقه اصلی

پیروزی مبارزات کارگران در انقلاب آتی است که افق و جهت مبارزات مردم را نشان میدهد. هر حرکت اعتصابی کارگران در ابعاد وسیع توسط حزب کمونیست کارگری به گوش جهانیان خواهد رسید. کارگران کمونیست، رهبران عملی با تشکیل مجامع عمومی بعنوان اولین گام برای ایجاد تشکل های توده ای کارگران، با پیوستن به تشکیلات حزب کمونیست کارگری با متحد و متشکل کردن مبارزات یکپارچه کل طبقه کارگر، پرچم آزادی و برابری را در جامعه بدست کارگران خواهد داد تا آنان بتوانان، معلمان، پرستاران و زنان را به اتحاد حول پرچم یک دنیای بهتر دعوت کنند. اتحاد و تشکل هوول حزب کمونیست کارگری حلقه اصلی پیروزی آزادی و برابری است. زنده باد خاطره مبارزات اعتصابی شکوهمند انقلاب ۵۷ کارکنان نفت زنده باد آزادی و برابری و حکومت کارگری ایران زنده باد حزب کمونیست کارگری **سامی نیکنام (محمد مزرعه کار) ۹ اکتبر ۲۰۰۳**

از صفحه ۶

## نامه های شما

همه مردم منتظر از رژیم اسلامی به جا است و ما نماینده بالاترین حد تنفر و آشتی ناپذیری در قبال این رژیم هستیم. چه به دلایل سیاسی و انسانی و نقد ما از کل این دنیای وروانه، چه به این دلیل که بقل تو حزب ما پر است از آدمهایی که توسط همین جمهوری اسلامی زنان شده اند، شکنجه شده اند، آواره شده اند، نزدیکترین عزیزانشان را از دست داده اند، شاهد اعدام، جان دادن و ترور آنها بوده اند، گلوله های رژیم و پاره های خنجر و بمب آترا در بدن دارند. اما علیرغم اینهمه تنفر ما انتقام جو نیستیم. فلسفه مجازات بر اساس انتقام را بربریت و وحشی گری و به نفع حاکمان و سرمایه داران میدانیم. نفرت

است جنگیده ایم و تا وقتی که یکنفر شان هم دست به مقاومت بزند با قدرت با آنها میجنگیم و از سر راه برشان می داریم. اما وقتی تسلیم شدند، وقتی ما درهم شکستیم شان آنوقت دیگر ما داریم حکم میرانیم. در جایی که انسانیت برقرار است یعنی در جاییکه مردم و حزب کمونیست کارگری شان قدرت دارند، دیگر قانون انسانیت حکم میکند. شما در احساس تنفرتان نسبت به اعدام کاملاً محق هستید، خوب اینرا تا به آخر ادامه دهید. آیا با اعدام جانبان اسلامی خودمان را در حد آنها پایین نمی آوریم؟ در مورد شعار مرگ بر خامنیه ای، این البته شعار ما نیست ولی به نظر من اگر کسی در تظاهرات آترا گفت ما نمی گوییم نه نه نگویید. ما میکوشیم آترا به «مرگ بر جمهوری

اسلامی» ارتقاء دهیم. ملاحظه ما روی آن شعار هم از سری که شما مطرح کرده اید نیست. در فارسی شعار «مرگ بر...» معنی نابود باد، بر کنار باد، سرنگون باد، میدهد. الزاما به معنی کشتن و اعدام کسی نیست. ملاحظه ما بر شعار مرگ بر خامنیه ای اینست که اتفاقاً دشمن اصلی مردم ایران در این لحظه یعنی همین جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی را از زیر تیغ انتقاد بیرون میبرد. گویی مشکل مردم چهارتا آگاهانه و حساب شده و برای در بردن اسلام و حکومت اسلامی پشت سر «مرگ بر خامنیه ای» رفته اند. باید حساب مردم منتظر از کل رژیم اسلامی که به درست رهبران آترا مورد حمله قرار میدهند، از حساب کسانی که میشوهند با قربانی کردن این سران، ریشه های جمهوری اسلامی را دست نخورده نگاه دارند، جلا کرد.

جهانبینی و تلقیات، با ارتش و سپاه و پلیس و وزارت اطلاعات، با امتیازاتی که به مذهب داده، با تلقیات شدیداً زن ستیز و ضد بشری که رواج داده، با قانون کار برده وار و بی تامینی اجتماعی و غیره از ریشه درآوریم. شعار «مرگ بر خامنیه ای» اگر چه از طرف مردم عادی معمولاً به معنی همان «مرگ بر جمهوری اسلامی» مطرح میشود، ولی احزاب مذهبی و نیروهای سیاسی معینی هستند که آگاهانه و حساب شده و برای در بردن اسلام و حکومت اسلامی پشت سر «مرگ بر خامنیه ای» رفته اند. باید حساب مردم منتظر از کل رژیم اسلامی که به درست رهبران آترا مورد حمله قرار میدهند، از حساب کسانی که میشوهند با قربانی کردن این سران، ریشه های جمهوری اسلامی را دست نخورده نگاه دارند، جلا کرد.

## اعدام، تجاوز و نمره ۲۰!

## لینک

علی فرهنگ



همچون کوچه ئی بی انتها  
http://weblog.kooche.net

هشل هفتا!

۱- صدا و سیما گزارشی تهیه کرده بود از سفر رئیس جمهور به اندیمشک و جوانانی که بالا و پایین می پریندند و شعارهایی را می دادند که سال ۷۶ باب شده بود! نمی دونم روزنامه ها به اندیمشک نمی رسد؟! یا اونجا تلویزیون و رادیو و اینترنت و از این چیزها ندارند؟! تا سلامتی امسال سال ۸۲ است!

۲- دولت تصمیم گرفته نیروهای متخصص کار را به خارج از کشور اعزام کند!

زمان جنگ می گفتند: کربلا! کربلا! ما داریم می آیییم!

بیشتر به تراژدی می ماند که بخوایم بگویم:

کابل! کابل! ما داریم می آیییم! حالا امیدوارم اینقدرها هم نامرد نباشند که مدرکهای دانشگاه های ایران را قبول نکنند!

۳- از همه جالبتر قطار تهران پاریس هستش که گفتند تنها مشکلی که داره راه اندازیش اینه که مسافر باید ویزای تمامی کشورهایی که قطار از آنها عبور می کند داشته باشد!

ای داد بیداد! یارو رو تو ده راه نمی دادند، می گفت به کدخدا بگو رختخواب من رو بالای پشت بوم بنداز! یا به همچین چیزایی ...

۴- این علیرضا افتخاری که معرف حضورتان هست؟! خواستم بگویم برای خودش لعبتی است!!! در سالن مترو، شبکه پیام، شبکه دو (از ۲ بامداد تا اذان صبح)، تاکسی های پاسدارن- رسالت (احتمالا به کمک شبکه پیام)، و چند روزی است که از بلندگوی مدرسه هم صدایش به گوش می رسد!

بعد از اونکه شهیرا شد شاعر ملی! بعید نیست این لعبت بزرگ رو هم بکنند خواننده ملی، یک چیزی که اصلا در آن تبحر ندارد سمبل سازی است! آخر شهیرا چگونه می تواند شاعر ملی باشد؟!؟!!

۵- یک استاد ادبیات خداوند به ما عطا فرموده اند که جنا از جزوه گویی و لهجه جالب و بقیه مزیت هایشان از فصاحت کلام خوبی هم برخوردارند. من روزهاست که دارم از نظر دستوری روی یکی از جملات ایشان کار می نمایم که بدین شرح است: - می زرم تو اون گردن خرتون ها!!!!

۶- آخه مگه مرض داری؟! که میکروب رو درست کردی که ما هورتش بکشیم و بعد علم پیشرفت کنه و بیاد پنی سیلین رو مکشوف نماید که به ما واردش کنند و بعد ما با وجود مقدار معدودی درد در بخش دیفرانسیل و مشکل در شاسی، خانوم تزریقاتی به اون خوبی و نازی و مهربونی رو لعنت کنیم!؟

۷- هیچ چیز بدتر از عصر جمعه ای نیست که صدا و سیما لاریجانی فیلم لاک پشت از آثار جمشید هاشم پور را پخش کند، که آخرش هم نیروی انتظامی برنده می شود و آدم مجبور است تا شب در دستشویی بماند که مبادا ... من از اول فیلم فکر میکردم قهرمان فیلم جمشید هاشم پوره و آخر فیلم فهمیدم وقتی جمشید میمیرد پس قهرمان فیلم نیروی انتظامی است.

۸- انصافا جای تبریک دارد این نویل صلحی که خانم عبادی گرفته اند! وسط این بلبشوی داخل و جریان افسانه نوروزی و انزری اتمی و کوفت و زهرمار و همه خبرهای بدی که دور و ورمان می پلکد این یکی خوشحال کننده بود، هر چند کامل نبود! جامعه زنان هم متعاقبا با دم مبارک گردو می شکانند که آره ... خب شما هم تبریک! در هر صورت غرور آمیسیسیز است ... بدجوری هم غرور آمیز است.

## دوست قدیمی

http://oldfriend365.persianblog.com

دخترک تازه ۸ سالش تموم شده بود ولی قد و قواره اش بیشتر نشون می داد به همین علت مادر دلش می خواست که دختر دلبندهش یا به امتحان جهشی به کلاس بالاتر بشینه. باهاش صحبت کرد و بهش گفت که براش معلم خصوصی می گیره تا تاسستون کلاس سوم رو بخونه و مهر ماه سر کلاس چهارم بشینه ولی دخترک قبول نمی کرد. انقدر صحبتهای مادر و دختر ادامه داشت تا به دفعه دخترک از مادر پرسید پس جشن عبادتم چی میشه؟ مادر که دیگه خلع سلاح شده بود ادامه نداد.

مهر ماه دخترک رفت کلاس سوم. خوشحال مثل همه بچه ها. تو روزهای اول مهر خانم معلم ساعت نقاشی به بچه ها گفت هرچی دلتون میخواد بکشید و دخترک به دختر بچه رو با موهای خیلی بلند نقاشی کرد و معلم بخاطر اینکه دختر بچه توی نقاشی روسری سرش نبود نمره نقاشی دخترک رو ۲۰ نداد.

آخه دخترک توی نقاشی که ۹ ساله نشده بود!

## حاج و بانو

http://hapokomar.persianblog.com

چند روز پیش داشتم با همکارام (از کشورهای مختلف) در باره این ماجرای اعدام حرف می زدم. اینا بنظر من عبید دمکراسی هستنند نه تظاهر می کنند و نه حرفهای صد تا به غاز میزنند. ظاهرا در کل اروپا مجازات

اعدام اجرا نمی شه. یعنی بقولی ۱۰ - ۱۵ ساله مجازات اعدام نیست بغیر از روسیه که ۴۳ ساله که مجازات اعدام اجرا نشده. وقتی گفتیم که تو اسلام آگه کسی دیگری رو به قتل برسونه به دلیل اینکه شخص رو از حق حیات محروم کرده و هیچ انسانی در مقامی نیست که این حق رو از دیگران سلب کنه، گناهکار به مجازات اعدام محکوم میشه. جواب شنیدم خوب آگر گناهکار رو اعدام کنی یعنی باز حق حیات رو از یکی دیگر گرفتی و این جریان میافته توی لوب و هیچوقت تموم نمیشه و همینجوری باید اینی رو که اونو اعدام کرده بکشی و ...

ولی ظاهرا همه درباره دفاع شخصی به اتفاق قبول داشتنند که باید با جرم متناسب باشد مثلا برای تجاوز قتل دیگر خیلی دفاعه و بلا استثنا همه قبول داشتنند که در اینصورت طرف صد در صد گناهکاره. وقتی نظرشان در مورد اینکه پوشش زن می تواند بعنوان ملرک علیه اش استفاده شود جواب همه اشون بله بود!!!

یه چیزی اینا گفتن که من مخم سوت کشید. اینجا حتی آگه زنی مقدمات آمیزش رو با مردی فراهم کنه مثلا لباس ناچور، مشروب و .. در کل طرف رو وادار به آمیزش بکنه و اگر مرد در حال عادی نباشه و اعتراض کنه و ثابت کنه که زن او را وادار کرده است، زن متجاوز اعلام میشه و گناهکار! تساوی واقعی به عبارتی تجاوز دوطرفه است. یعنی هم مرد میتونه متجاوز باشه هم زن.

حکم اسلام رو دقیقا نمی دونم چیه ولی فکر می کنم در اکثر موارد آگه مرد آمیزش کنه گناهکاره و اون خانوم رو براش عقد می کنن. فکر می کنم همه در باره عقدهای دادسراهای حداقل بعنوان شایعه شنیده باشید.

پس با این حساب احکام اسلام خیلی جاها گیر داره. حتی یه جاهایی به ضرر خود مرد است. حالا چطوری میشه اینها را درست کرد فکر نمی کنم اگر پایه احکام رو بگذارند روی اسلام و تبصره روش بنارن فایده ای داشته باشه.

## تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه  
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر  
به وقت تهران  
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi\_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

## طول موج جدید

## رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

## برنامه رادیویی سازمان

## جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.  
Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرهمند

هلند: مجید پسنچی

آلمان: نبز احمد زاده

سوئد: حامد خلکی

کانادا: سامان احمدی

انگلاستان: فرشاد پویا

ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی

مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515  
10795 Berlin  
Germany

تلفن: ۰۰۴۹ ۱۷۴ ۹۴۴ ۰۲ ۰۱

تلفکس: ۰۰۴۹ ۱۷۴ ۹۴۴ ۰۲ ۰۱

ایمیل: bahram-modarresi@web.de

## به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: